

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی – فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین – 21 مارچ 2011

بهار! آئی؟؟؟

صدر مقاله را با نغمه زیبای خواننده شهیر پاکستانی – خانم "تینا ثانی" – که چون "نای" ناله همیکند، می آرایم؛ تحفه گویا، تحفه نوروزی؛

و به تو خواننده موسیقی شنو

"پورتال آزادگان"

"افغانستان آزاد – آزاد افغانستان":

<http://www.youtube.com/watch?v=fRDdATsuEp4>

عنوان مقاله نیز از همین نغمه ملکوتی رنگ پذیرفته؛ مگر نه تنها به همین سبب. "بهار! آئی؟؟؟" را ازین رو نیز عنوان کردم تا بپرسم:

بهار! آئی؟؟؟

بهارا!

آئی؟؟؟

دانم که آئی و دلارائی!!

اما چه با خود آرائی؟؟؟

به نصیبه؛

نصیبه رنجوران بی رنگ

و ستمگران رنگارنگ؟

رنجوری که استخوانش با بهار بیگانه است

و

و ستمگری که روزش "نوروز" است و شبش "برات"!(2)

بهار رسید و باد بهاری؛

و کلبهٔ احزان همچنان خالیست

و غمین،

از آمد و شد بهار درینجا اثری نیست

و که گوید که چشم براه بهارند؟؟؟؟؟

بهار!!!

بهار را طلیعهٔ سور و سرور گویند!!!

و کو آن پیک بهاری،

که خسته را بنوازد

اشک یتیمی پاک سازد

و با عدو نرد عشق نبازد؟؟؟

گوئی حُسن و خوبی در گرو زورآوران است،

که کابلیان قدیم گفته اند:

"دولت سُن دولت رفته"

و

"روغن سُون کچری"

این رسم منفور زمان است و سنگماندهٔ روزگاران!!!

پارچه ای را که بتاريخ اول آگست 2010 سروده بودم و به خاطر سرگردانی افکار، گرد نسیان گرفته بود، بیرون آورده و بحیث "بهاریه" تقدیم میکنم. گوئی تقدیر رفته بود،

که "بهاریه" طرف "نوروز" برود؛

نوروز امسال

1390

منظومه اصلاً به استقبال از غزل نغز جناب "الحاج خلیل الله ناظم باختری" معنون به "انتهای ظلم ظالم"، سروده شده است:

فصل زرخیز نوبهار آید

قار(3) و ناز بتان نمی ماند نخره گلرخان نمی ماند

عشوه دلربای سیم تنان عاقبت در میان نمی ماند

فصل زرخیز نوبهار آید موسم دی چُنان نمی ماند

نغمه بلبلان شود چالان	بوم و کنج وُران (4) نمی ماند
ظلم و جور و جفا نخواهد ماند	خوفِ نقص و زیان نمی ماند
ورمه (5) نرمگون رسید آخر	باد تند خـزان نمی ماند
ظلمت تـار روزگار بشد	غدر و غبن خسان نمی ماند
نالۀ و نوحه یتیم و یتیم (6)	اشک بیوه زنان نمی ماند
دور ضجرت بسر بخواهد شد	ستم نـاکسان نمی ماند
شب مادروطن سحر گردد	فتنه ایـمن و آن نمی ماند
نسل شیران وطن کند آزاد	اجـنبیها در آن نمی ماند
مام میهن همی شود معمور	وطنم خـاکدان نمی ماند
این زمین و زمان نمی ماند	خُدعه تا جاودان نمی ماند

نظم ناظم "خلیل" شیرین است

شهادت و شکر بدان نمی ماند

"عاقبت این جهان نمی ماند"

هم زمین و زمان نمی ماند"

توضیحات:

- 1 - "تینا ثانی" Tina Sani هنرمند شهیر پاکستانی در "غزلخوانی کلاسیک" است، که در "داکه" - پاکستان شرقی آن وقت - متولد شد، مدتی در کابل نازنین بسر برد و همدرانجا به تحصیل پرداخت و بعد به "کراچی" کشید و مراتب هنری خود را پیمود. در مورد این رامشگر سحر، بیشتر خواهم نوشت!!!
- 2 - اصلاً "روزش عید و است و شیش برات" گفته اند و من "نوروز" را در جای "عید" نشاندم، که خود بزرگترین عید است؛ عید سال نو و عید هر سال و عید هر سر سال!!!!
- 3 - "قار" تلفظ عامیانه از "قهر" عربیست که توأم با "ناز" دری هم بسیار استعمال میگردد. مثال برجسته آن ترکیب "قار و ناز" است، که در زبان گفتار کابلیان، بکثرت استعمال میشود.
- 4 - "وُران" لغت زیبای پشتو و در معنای "ویران" است و "کنج وِران" یعنی "کنج ویران" یا "کنج ویرانه". در ادبیات دری "بوم" را در ارتباط با "ویرانه" و "خرابه" بسیار استعمال میکنند.
- 5 - "ورمه" کلمه زیبای پشتوست که معنای "نسیم" عربی یا "باد ملایم" را میدهد.
- 6 - "یتیم و یتیم" ترکیبیست که از زبان عامیانه کابلی بسیار شنیده میشود و مراد از آن مردم درمانده و مستأصل است. چون "یتیم" خود عالمی نومیدی را میرساند و "یتیم" - اصلاً "اسیر" - به همین سیاق "درمانده و مردم شهید" است.